

تحلیل شهرک مسکونی آرانیا بر اساس اصول و روش های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران

فائزه سمسار ایزدی*، حمیدرضا اطلس باف، مسعود طاهری شهرآئینی

- ۱- دانشجو کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران. fazeizadi@yahoo.com
- ۲- دکتری معماری، استادیار و عضو هیات علمی دانشکده معماری، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران Hamidrezaatlasbaf@yahoo.com
- ۳- دکتری معماری، استادیار و عضو هیات علمی دانشکده معماری، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران Mtaheri87@yahoo.com

چکیده

کشور هند با وجود برخورداری از تمدن باستانی و ریشه های فرهنگی غنی، با مسائل متفاوتی نظیر شهرنشینی، افزایش بی رویه جمعیت، تورم و فقر رو به رو است. معماری این سرزمین نیز تحت تاثیر این مسائل و هم چنین نفوذ تفکرات مدرنیستی و تحولاتی که به دنبال آن اتفاق افتاد، ارزش های سنتی و بومی خود را تدریجا از دست داده است. از طرفی طراحی برای قشر کم درآمد و فقیر برای مقابله با رشد سریع و پاسخگویی به نیاز خانه و رفاه اولیه برای مردم این سرزمین، همچون دیگر جوامع جهان سوم، امری ضروری به نظر می رسد. در چنین شرایطی، برخی از معماران معاصر هندی در جهت سازگاری و انطباق ساخت و ساز های جدید شهری با خصوصیات اقلیمی و اجتماعی هند و هم چنین پاسخگویی به نیاز روزافزون خانه و مسکن در این منطقه گام برداشتند. از جمله این معماران می توان به معمار هندی بالکریشنا دوشی اشاره کرد. تلاش او و همکارانش همواره بر آن بود تا اصول جاودانه معماری بومی این سرزمین را با معماری معاصر و نیازهای انسان امروز ادغام کنند. شهرک آرانیا یکی از نمونه های شهرسازی جدید در هند به شمار می رود که در جهت دستیابی به این هدف توسط بالکریشنا دوشی طراحی و اجرا شد. پژوهش حاضر در تلاش است تا بر پایه پژوهش های صورت گرفته توسط محمود توسلی در زمینه اصول و روش های طراحی فضاهای مسکونی در ایران، به تحلیل و بررسی چگونگی شکل گیری پروژه مسکونی آرانیا بر اساس این اصول بپردازد. با بررسی این پروژه و اصولی که در آن به کار رفته، در می یابیم که دوشی چگونه در فرآیند طراحی این مجموعه با بازآفرینی الگوهای موجود در معماری بومی هند، به تلفیق معماری مدرن و سنتی این منطقه پرداخته است.

واژه های کلیدی: شهرک مسکونی آرانیا، معماری سنتی هند، معماری مسکونی

۱- مقدمه

در میان تنوع گرایش های فکری معماری معاصر امروز، بازگشت به خویشتن، احیاء ارزش های پایدار سنتی، توجه به بستر و زمینه تاریخی و تمرکز بر برقراری مجدد رابطه میان انسان و زمینه اهمیت ویژه ای یافته است. توجه به این مساله، به خصوص در کشورهای جهان سوم که از بستر فرهنگی و معماری غنی برخوردار بوده و به علت کم رنگ شدن تدریجی ارزش ها و الگوهای معماری سنتی آنها ضرورت بیشتری می یابد. مطالعه معماری معاصر کشور هند، به عنوان یکی از کشورهای همسایه ایران و به دلیل برخورداری از تمدن باستانی و ریشه های فرهنگی غنی از جهات بسیاری ارزشمند است. در تاریخ هند، رابطه میان انسان و زمینه از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار بوده است؛ اما این رابطه از دوران گذشته تا کنون دستخوش تغییرات و دگرگونی هایی شده و به نظر می رسد که در دوران معاصر این ارتباط با زمینه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که در جامعه هند معاصر، ارزش های اسطوره ای و متافیزیکی رفته رفته کمرنگ شده و جای خود را به ارزش های فیزیکی و اقتصادی داده اند. با این حال، نمی توان توجه به بستر و زمینه را به عنوان یک ارزش ثابت که ریشه در اعتقادات کهن آیین هندو دارد نادیده گرفت [۱]. بررسی طرز تفکر برخی از معماران معاصر هندی و نیز شیوه برخورد آن ها با این امر، می تواند راهگشای ما در رابطه با مفهوم منطقه گرایی در معماری معاصر باشد. در میان معماران معاصر هند در عصر پس از استعمار و